

ارائه الگوی یک پارچه‌سازی نظام منابع مالی اسلامی و مالیات‌های متعارف در ایران (جمع‌آوری و مصرف منطقه‌ای در ماتریس سه بعدی ولی فقیه، منطقه و وظایف)

عبدالمحمد کاشیان

استادیار دانشکده اقتصاد و مدیریت دانشگاه سمنان، ایران، سمنان.

a.m.kashian@profs.semnan.ac.ir

احمد شعبانی

دانشیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق (ع)، ایران، تهران.

ashksadeq@yahoo.com

چکیده

طراحی الگوی یک پارچه‌سازی نظام منابع مالی اسلامی (خمس و زکات) و مالیات‌های متعارف، به دلیل ارتباط تنگاتنگی که با مقوله‌های فقهی، اقتصادی، اجتماعی و همچنین فرهنگی دارد، دارای پیچیدگی‌های بسیاری است و همین امر سبب شده است که این موضوع، به موضوعی بین‌رشته‌ای تبدیل شود. طراحی چنین الگویی نیازمند آن است که دست‌کم درباره شش مؤلفه موضع‌گیری شود: چهار مؤلفه مربوط به حوزه جمع‌آوری منابع مالی اسلامی و مالیات‌های متعارف است که شامل نوع معافیت مالیاتی، مرجع جمع‌آوری‌کننده، ساختار جغرافیایی و نوع مالیات مشمول تخفیف است و دو مؤلفه نیز مربوط به حوزه مصرف است که شامل نوع مصارف خمس و زکات و مالیات و ساختار مصارف آن است. از کنار هم قرار گرفتن این مؤلفه‌ها الگوهای متعددی در حوزه طراحی الگوی یک پارچه‌سازی ایجاد می‌شود. در این مقاله تلاش می‌شود تا با استفاده از روش تحلیلی-توصیفی و با گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای و بهره‌گیری از مؤلفه‌های

مذکور، ضمن بررسی و نقد پیشنهادهایی که تاکنون در این زمینه ارائه شده‌اند، پیشنهادهای جدیدی ارائه گردد. پیشنهاد ارائه شده دارای یک ساختار جمع‌آوری و مصرف منطقه‌ای و ماتریسی سه‌بعدی شامل ولی فقیه، منطقه و وظایف است. **کلیدواژگان:** مالیات، خمس، زکات، یکپارچه‌سازی.

مقدمه

پس از پیروزی انقلاب اسلامی و تحقق حاکمیت نظام اسلامی، همراه با تغییر نگاه به اصلاح امور حکومتی و سیاستی، این انتظار به حق شکل گرفت که اهداف و مبانی اسلامی باید در تمام زمینه‌ها به خصوص در نظام‌سازی اقتصادی تحقق یابند که یکی از مهم‌ترین آنها بومی‌سازی نظام مالیاتی بوده است. طراحی نظام مالیاتی برای یک جامعه اسلامی باید بر اساس اسلوبی اسلامی باشد تا به واسطه آن از زیاده‌پرداختی‌ها و پرداخت‌های موازی و وارد آوردن فشار بیش از حد بر خانواده‌ها جلوگیری شود و از طرفی از ظرفیت‌های فرهنگی جامعه برای پرداخت خمس، زکات و مالیات نیز استفاده گردد. از طرفی قابلیت درآمدهای اسلامی مانند خمس و زکات برای مصارف کشور بسیار زیاد است که چشم‌پوشی از آنها جداً جای سؤال دارد. به‌ویژه اینکه تحقیقات تجربی نشان داده است که در سال‌های اخیر ظرفیت بالقوه خمس و زکات در جامعه ما از درآمدهای بالفعل مالیاتی دولت بیشتر بوده و مقدارش به حدی بوده است که برای رفع فقر در جامعه کفایت کند و باز توزیع آن می‌تواند ضریب جینی را تا یک‌دهم کاهش دهد (ثامنی کیوانی، ۱۳۸۲؛ کاشیان، ۱۳۸۹).

بنابراین با توجه به ظرفیت فرهنگی و سرمایه اجتماعی بالایی که در جامعه مسلمانان نسبت به پرداخت خمس و زکات وجود دارد، باید توجه فراوانی به درآمدهای حاصل از خمس و زکات به عنوان دو ابزار مهم درآمدی دولت داشته باشیم. ضمن اینکه احیای نظام خمس و زکات به عنوان دو پایه اصلی در دین اسلام نیز اهمیت بسیاری دارد.

در حال حاضر جمهوری اسلامی ایران فاقد نظامی یک‌پارچه است که بتواند مجموعه منابع مالی اسلامی و مالیات‌های متعارف را در قالبی منسجم درون خود بگنجانند. از این‌روست که ساختار موجود سبب ایجاد ناهمگونی‌ها و ناهماهنگی‌هایی در حوزه اجرایی مالیات‌های متعارف و اسلامی شده است و لازم است که تغییرات ساختاری درخور توجهی در این حوزه صورت گیرد. پرداختن به طراحی الگوی یک‌پارچه‌سازی نظام منابع مالی اسلامی و مالیات‌های متعارف، مستلزم نگاهی عمیق به ابعاد مختلفی از مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است؛ چراکه این مسئله در حوزه‌های مختلفی از

علوم ریشه دارد و هر یک از آنها الزامات خاصی را به این مسئله تحمیل می‌کنند؛ الزاماتی که توجه نکردن به آنها، طراحی الگورا بی‌معنا کرده و هیچ فایده خاصی به همراه ندارد.

ماهیت موضوع مورد نظر به گونه‌ای است که از سویی ارتباطی تنگاتنگ با مسائل فقهی دارد؛ چراکه بسیاری از ضابطه‌ها و قوانین اصلی نظام منابع مالی اسلامی از قواعد، قوانین و اصول فقهی به دست می‌آید. از سوی دیگر این موضوع ارتباط تنگاتنگی با مسائل اقتصادی دارد؛ چراکه نظام مالیات‌های متعارف به عنوان بخشی از نظام اقتصادی کشور دارای پیچیدگی‌ها و سازوکارهای خاصی است و طراحی الگوی مورد نظر، درهم‌تنیدگی‌های قابل توجهی در این حوزه ایجاد می‌کند و از سوی دیگر با مسائل فرهنگی گره می‌خورد که در واقع از سازوکار حوزه‌های علمیه و نقش وجوهات شرعی در تأمین مالی آنها نشئت گرفته است. همه این عوامل سبب شده است که در بخش آغازین این مقاله مبانی فقهی، آثار اجتماعی و اقتصادی زکات و خمس و مالیات‌های متعارف را، هرچند مختصر بررسی کنیم. همه آنچه در بخش آغازین مطرح خواهد شد، مقدماتی است که طراحی الگوی یک پارچه‌سازی نظام منابع مالی اسلامی و مالیات‌های متعارف بدان نیاز دارد. در این مقاله بر آنیم تا با پیش فرض گرفتن دستاوردهای بخش آغازین، الگوی جدیدی را در جهت یک پارچه‌سازی نظام منابع مالی اسلامی و مالیات‌های متعارف ارائه دهیم. الگوی ارائه شده در این مقاله دارای ابزارهای سیاستی، نقاط قوت و البته نقاط ضعفی است که بررسی شده‌اند.

این تحقیق با استفاده از روش تحلیلی توصیفی و با گردآوری داده‌ها از طریق کتابخانه‌ای، ضمن بررسی مبانی فقهی و اقتصادی مورد نیاز و نیز با استناد به شناخت وضع موجود در ایران نشان می‌دهد که طراحی چنین الگویی در ایران مستلزم آن است که دست کم در باره شش مؤلفه موضوع‌گیری شود. این مقاله سه سناریو را معرفی می‌کند که در هر یک از آنها شش مؤلفه اصلی یعنی نوع تخفیف در مالیات، مرجع جمع‌آوری‌کننده، ساختار جغرافیایی، نوع مالیات مشمول تخفیف، نوع مصارف و ساختار به گونه‌ای خاص ارائه شده است. هر یک از سناریوهایی که در این مقاله معرفی می‌شوند، نسبت به مؤلفه‌های پیشین دارای موضع مستقلی هستند و از کنار هم قرار دادن این مؤلفه‌هاست که یک سناریو طراحی می‌شود. براین اساس در هر یک از سناریوها به بررسی سازوکار آن خواهیم پرداخت، موضع هر سناریو نسبت به مؤلفه‌های شش‌گانه را مطرح و ساختار نموداری آن را ترسیم خواهیم کرد. در پایان مزایا و معایب آن را مطرح خواهیم کرد و چنانچه ملاحظاتی درباره آن سناریو وجود داشته باشد، در بخشی جداگانه به طرح آن خواهیم پرداخت. ضمن اینکه با تأکید بر لزوم انعطاف‌پذیر بودن، ابزارهایی را که امکان سیاست‌گذاری در این حوزه را فراهم می‌آوردند کانون بحث و بررسی قرار خواهیم داد.

۱. پیشینه پژوهش

در حوزه زکات و خمس و مالیات، تحقیقات پرشماری انجام شده است که بررسی همه آنها در این مجال ممکن نیست. برخی از مهم‌ترین تحقیقاتی که ارتباط بیشتری با موضوع این مقاله دارند، به شرح زیر هستند:

اسماعیل پور دره (۱۳۸۷) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود، «الگوی مناسب مؤسسات مالی زکات در جمهوری اسلامی ایران»، افزایش بهره‌وری و کارایی و اثربخشی بهینه در حوزه‌های جمع‌آوری، اداره و توزیع زکات در ایران را مستلزم ایجاد مؤسسات مالی زکات در کشور دانسته است. برای این منظور به بررسی دو پیش‌نیاز فقهی ایجاد مؤسسات مالی زکات یعنی امکان تعمیم متعلقات زکات و نقش حکومت در قبال زکات، ساختار اداری و شیوه‌های جمع‌آوری و توزیع پرداخته است و وضعیت فعلی اداره زکات را در جمهوری اسلامی ایران بررسی کرده و در پایان به ارائه الگوی مؤسسات مالی زکات در جمهوری اسلامی ایران همت گماشته است.

کاشیان (۱۳۸۹) به آزمون بسندگی زکات و خمس در تأمین حداقل معیشت خانوارهای نیازمند در اقتصاد ایران می‌پردازد. وی ضمن تشریح کامل مسئله تشکیک در کارایی زکات با فرض انحصار زکات در موارد نه‌گانه، به محاسبه ظرفیت بالقوه زکات، زکات فطره و خمس در اقتصاد ایران توجه می‌کند و در مرحله بعد به تبیین نظری حداقل معیشت در اسلام پرداخته، منابع لازم برای رفع فقر در جامعه ایران را برآورد می‌کند و در پایان نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر درآمدهای خمس و زکات آن قدر فراوان بوده‌اند که برای رفع فقر در جامعه کفایت می‌کرده‌اند. این تحقیق یک نتیجه ضمنی نیز دارد و آن این است که فتوای فقهای شیعه مبنی بر انحصار زکات در موارد نه‌گانه منافاتی با فلسفه اصلی وضع زکات ندارد و فتوای فقهای شیعه به لحاظ تجربی نیز مورد تأیید است.

موحدی و رضایی (۱۳۹۱) به نقد نگاه رایج از ارتباط دو نظام مالی (نظام مالیه مبتنی بر وجوهات شرعی و نظام مالیاتی کشور) پرداخته‌اند و با تبیین ارتباط مطلوب وجوهات شرعی و مالیات‌های حکومتی به عنوان نخستین گام نظام‌سازی مطلوب مالیاتی، راه را برای ادامه تغییرات هموار ساخته‌اند. یکی از دلالت‌های این نوع نگاه جدید به نظام مالیاتی، حل مشکل پرداخت‌های دوسویه خواهد بود. البته این تحقیق با انتقادهایی روبه‌روست که در این مقاله از نظر خواهد گذشت.

رضایی و سبزو (۱۳۹۱) با بیان اینکه امروزه دغدغه بسیاری از مؤدیان و افراد متدین در کشور پرداخت مضاعف مالیات (متعارف و وجوه خمس و زکات) است، معتقدند به منظور رفع ابهام موجود، بهتر است دولت با برنامه‌ریزی مناسب، تلاش کند تا نظام مالیاتی به گونه‌ای تنظیم شود که

نه تنها بار واجبات مالی (شرعی و قانونی) بر دوش مردم متدین سنگینی نکند، بلکه زمینه ترغیب مردم و تلاش برای رفع دغدغه پرداخت مالیات مضاعف توسط متدینین نیز فراهم آید. تجربه تعدادی از کشورهای اسلامی نظیر پاکستان، اردن، بنگلادش و مصر نیز حاکی از آن است که پرداخت‌های داوطلبانه مردم مثل زکات، از درآمد مشمول مالیات آنها کسر می‌شود. به هم‌پن منظور تلاش می‌کنند الگویی برای پذیرش خمس به عنوان مالیات ارائه دهند. نقد این تحقیق نیز در این مقاله مد نظر قرار گرفته، نارسایی‌ها و ناکارآمدی‌هایش بررسی خواهد شد.

شعبانی (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان «بررسی اثرات خمس و زکات بر رفع فقر و طراحی سازوکار پیاده‌سازی خمس و زکات در نظام مالیاتی و نحوه بازتوزیع آن با تأکید بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت»، به دنبال آن است که با توجه به ظرفیت مناسب و قابل قبول خمس و زکات، سازوکاری را طراحی کند که به واسطه آن اولاً ساختاری منسجم برای نظام مالیاتی مبتنی بر الگویی اسلامی ایرانی را طراحی کند و ثانیاً به واسطه این ساختار، از زیاده‌پرداختی‌ها و پرداخت‌های بیش از حد خانواده‌های فقیر جلوگیری نماید و ثالثاً از ظرفیت‌های فرهنگی کشور به منظور جلوگیری از فرار مالیاتی بهره‌جوید و نهایتاً اینکه در بُعد مصارف منابع از پرداخت‌های ناصواب و چندگانه به برخی خانوارها و محروم ماندن برخی دیگر از خانوارها اجتناب ورزد.

سه تحقیق اخیر، مستقیماً به ارائه الگوی بهینه در ایجاد نظام یک پارچه پرداخته‌اند و موضوعی شبیه مقاله حاضر دارند. این مقاله به دنبال آن است که ضمن نقد رویکردهای پیشین، ناکارآمدی آنها را تبیین کند و در مقابل راهکارهای جدیدی را مطرح سازد.

۲. ابعاد فقهی، اقتصادی، حکومتی و اجتماعی خمس و زکات در ایران

همان‌طور که در مقدمه تبیین شد، بخش آغازین این مقاله به بررسی ابعاد فقهی، اقتصادی، حکومتی و اجتماعی خمس و زکات در ایران می‌پردازد. تبیین صحیح و همه‌جانبه ریشه‌های مشکلات اقتصادی مستلزم بررسی‌هایی فراتر از حوزه‌های اقتصاد متعارف است. ماهیت علم اقتصاد متعارف به گونه‌ای است که امکان پرداختن به اموری فراتر از امور مادی را ندارد و در این بین تمسک به آیات و روایات اهل بیت علیهم‌السلام بسیار راه‌گشاست. درباره زکات، آیات و روایات دلالت بر آن دارند که بسیاری از مشکلات اقتصادی و اجتماعی ریشه در عدم پرداخت زکات دارد و مادام که چنین مسئله‌ای حل نشود، تلاش‌های دیگر فایده چندانی نخواهند داشت. همین مسئله ضرورت پرداختن به زکات و طراحی الگویی برای تشویق افراد جامعه به پرداخت خمس و زکات را دوچندان می‌کند. پرداخت زکات، آثار فردی و اجتماعی بسیاری دارد که از جمله آنها می‌توان به درمان بخل،

برکت رزق، بیمه مال، محبوبیت نزد خدا، باز شدن گره‌ها، کفاره گناهان، رهایی از کیفر، جاودانگی اموال، استجاب دعا، کینه‌زدایی، بنیه دینی مردم، تربیت نسل پاک، فقرزدایی و ایجاد اشتغال اشاره کرد. با این حال در این بخش به دنبال آنیم که برخی از مهم‌ترین ابعاد خمس و زکات را که نقش اساسی در طراحی الگوی یک پارچه‌سازی دارند بررسی کنیم. گفتنی است که با توجه به اختلاف نظرات فقهی در حوزه مباحث خمس و زکات و با توجه به شأن حاکمیتی ولی فقیه، در این مقاله از نظرات فقهی امام خمینی رحمته‌الله و مقام معظم رهبری در حوزه‌های فقهی استفاده کرده‌ایم. برخی از مهم‌ترین پیش‌فرض‌های این رساله بدین شرح‌اند:

۱-۲. کارویژه‌های اصلی خمس و زکات

با توجه به فلسفه وضع زکات در اسلام می‌توان گفت که زکات و خمس عمدتاً برای رفع فقر وضع شده‌اند (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۰۸)؛ اما این بدان معنا نیست که استفاده از زکات صرفاً برای رفع فقر باشد. از مجموع روایات و آیات قرآن کریم و نیز از نظرات فقهی امام خمینی رحمته‌الله این‌گونه برداشت می‌شود که زکات و خمس صرفاً برای رفع فقر و کمک به زندگی فقرا نیست؛ هرچند هدف اصلی آن رفع فقر است. این دو درآمد می‌توانند برای غیر فقرو بر اساس صلاحدید حاکم اسلامی نیز استفاده شوند و در اموری مانند پروژه‌های عمرانی دولت، سیاست‌گذاری‌های فرهنگی کشور و امور اقتصادی مصرف گردند؛ به‌ویژه درآمدهای حاصل از خمس که بر اساس نظر مشهور فقها حق‌الاماره به شمار می‌آید و حاکم جامعه اسلامی می‌تواند بر اساس صلاحدید آن را به مصرف برساند (موسوی خمینی، ۱۴۰۴ق).

۲-۲. موارد مشمول زکات و خمس

مشهور فقیهان امامی، بلکه اکثریت آنان معتقدند که زکات در نه چیز واجب است و این نه چیز عبارت‌اند از: گندم، جو، خرما، کشمش، شتر، گاو، گوسفند، طلا و نقره. در میان فقیهان شیعه تعداد معدودی، قول مشهور را پذیرفته و به وجوب زکات در مواردی به جز اشیای نه‌گانه قائل شده‌اند و یا بنا بر احتیاط، ترک آن را در این اشیا جایز ندانسته‌اند (عسکری، ۱۳۸۲، ص ۱). عده‌ای نیز انحصار زکات در موارد نه‌گانه را پذیرفته‌اند، اما تفسیر دیگری از برخی موارد مانند نقدین نموده‌اند و پول را نیز مصداق نقدین و مشمول زکات دانسته‌اند (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۹).

با این حال آنچه مشهور است انحصار زکات در موارد نه‌گانه است و روایات بسیاری بر آن دلالت دارند. نظر امام خمینی رحمته‌الله نیز منطبق بر مشهور فقهای شیعه است؛ لذا پیش‌فرض

ما در طراحی الگوی یک پارچه‌سازی نظر ایشان خواهد بود. طبیعی است که اگر الگوی مورد نظر در زکات موارد نه‌گانه کارایی داشته باشد، درباره دیگر نظریه‌های موجود در مورد زکات که قائل به تعمیم به روش‌های مختلف هستند به طریق اولی کارایی خواهد داشت.

فقهای شیعه با توجه به معنای لغوی غنیمت در آیه شریفه خمس و به استناد روایات و اجماع طایفه، موارد تعلق خمس را تا هفت مورد برشمرده‌اند که این موارد عبارت‌اند از: ۱. غنائم جنگی، ۲. معدن، ۳. گنج، ۴. غواصی، ۵. درآمد کسب، ۶. زمینی که ذمی از مسلمان بخرد و ۷. مال حلال مخلوط به حرام. در حال حاضر از میان این موارد آنچه بیشتر موضوعیت دارد، خمس ارباح مکاسب و معدن است. لذا تکیه اساسی این تحقیق نیز بر خمس ارباح مکاسب و خمس معادن است. اضافه کردن سایر موارد مشمول خمس نیز به الگوی مورد نظر امکان‌پذیر خواهد بود. معیار ما در طراحی الگوی یک پارچه‌سازی نظر فقهی امام خمینی علیه السلام است که به نظریه مشهور نیز نزدیک است.

۲-۳. لزوم تلاش حکومت برای جمع‌آوری خمس و زکات

بررسی روایات و تاریخ نشان می‌دهد که فریضه زکات چنان اهمیتی دارد که تنها به صدور حکم آن بسنده نشده است، بلکه رسول الله مأمور بودند آن را از مالکان اموال زکوی اخذ نمایند؛ حتی اگر به قتال، محاربه و لشکرکشی هم بینجامد. در تاریخ و روایات متعدد، پیامبر صلی الله علیه و آله پس از امتناع قوم یا قبیله‌ای از ایتای زکات، دستور آماده شدن لشکر و تجهیز قوا برای جنگ را صادر فرموده‌اند (ابن‌هشام، ۱۴۱۵ق، جلد ۴، ص ۲۲۴؛ هیربد، ۱۳۵۲، ص ۸۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۶، ص ۸۶). لذا در جامعه اسلامی جمع‌آوری خمس و زکات باید برنامه حکومت باشد و برای آن از ساختارهای لازم بهره‌مند باشد.

۲-۴. تشکیک در کارایی زکات و فرضیه‌های پاسخ‌گو

همان‌طور که قبلاً هم اشاره شد، اسلام کارویژه‌های اجتماعی و اقتصادی بسیار مهمی برای زکات تعیین کرده است؛ از رفع فقر به عنوان مهم‌ترین کارویژه زکات تا کارویژه‌های دیگری از قبیل ساخت مدرسه، بیمارستان و هر آنچه مسئولان جامعه اسلامی صلاح بدانند؛ اما تحقیقات تجربی نشان می‌دهد که مجموع درآمدهای حاصل از زکات به نسبت نیازهای کشور و کارویژه‌ای که برای زکات تعریف شده است، مقدار چندانی نیست (ثامنی کیوانی، ۱۳۷۷؛ عسکری، ۱۳۸۹). بر همین اساس بسیاری از محققان اصرار دارند که قانونی بودن یا نبودن زکات تفاوت چندانی

ندارد و عملاً آن را بی‌فایده دانسته‌اند. فرضیه‌های پاسخ‌گو به این نوع تشکیک در کارایی زکات بر این دلالت داشتند که معنای زکات در قرآن، معنایی عام است و شامل هر نوع واجب مالی مانند خمس، زکات موارد نه‌گانه و خراج می‌شود. لذا خمس نیز خود نوعی زکات به شمار می‌آید و به طور برجسته‌ای مورد تأیید بوده و منابع عظیمی در اختیار دولت قرار داده است. به عبارت دیگر هرچند زکات موارد نه‌گانه به لحاظ درآمدی بسیار محدود است، ولی در کنار خمس می‌تواند منبع بسیار مناسبی برای حکومت اسلامی به شمار آید (عسکری، ۱۳۸۹، ص ۲۴).

بنابراین پیش فرض اصلی ما در این نوشتار زکات به معنای عام آن است و لذا هم بحث از خمس و هم بحث از زکات مطرح شده است. محاسبات نشان می‌دهد که درآمدهای بالقوه خمس و زکات بسیار قابل اتکاست و می‌تواند تأثیر بسیار بالایی در تأمین منابع مالی حکومت اسلامی باشد.

جدول شماره ۱. ظرفیت بالقوه خمس در اقتصاد ایران طی سال‌های ۸۰ تا ۸۹
(ارقام به میلیارد ریال)

سال	خمس ارباح مکاسب	خمس بخش نفت و گاز	خمس معادن	جمع زکات بالقوه بدون فطره ^۱	زکات فطره	مجموع
۱۳۸۰	۲۹۸۵۱	۲۲۳۰۵	۹۲۳	۴۸۰	۱۷۴	۵۳۷۳۳
۱۳۸۱	۴۵۴۰۸	۳۲۸۳۰	۱۰۱۲	۶۰۸	۲۱۹	۸۰۰۷۷
۱۳۸۲	۵۸۵۷۲	۴۱۴۹۶	۱۱۵۴	۷۴۵	۲۵۷	۱۰۲۲۲۴
۱۳۸۳	۸۳۵۵۵	۶۰۷۰۵	۱۹۳۰	۸۶۱	۲۹۶	۱۴۷۳۴۷
۱۳۸۴	۱۰۹۱۷۲	۸۳۷۲۹	۲۷۰۰	۱۰۰۴	۳۲۹	۱۹۶۹۳۴
۱۳۸۵	۱۳۸۷۶۷	۹۸۶۳۸	۳۳۳۳	۱۲۲۷	۴۴۹	۲۴۲۴۱۴
۱۳۸۶	۱۸۶۸۸۳	۱۳۱۱۹۰	۴۴۴۲	۱۵۲۱	۵۴۷	۳۲۴۵۸۳
۱۳۸۷	۲۱۵۴۲۹	۱۳۴۷۰۶	۵۵۵۰	۱۷۵۶	۷۴۰	۳۵۸۱۸۱
۱۳۸۸	۲۲۵۹۴۵	۱۰۹۵۲۹	۵۳۳۲	۲۱۵۴	۹۳۹	۳۴۳۸۹۹
۱۳۸۹	۲۹۲۷۴۷	۱۵۲۸۰۷	۵۴۱۲	۲۵۱۹	۹۵۲	۴۵۴۴۳۷
۱۳۹۰	۳۸۵۰۳۰	۲۲۵۰۲۵	۹۵۶۵	۲۳۱۰	۱۲۷۰	۶۲۳۲۰۰
۱۳۹۱	۳۵۹۵۵۲	۱۵۰۱۵۵	۱۵۷۸۰	۳۵۶۰	۱۶۳۰	۵۳۰۶۷۷

مأخذ: کاشیان، ۱۳۸۹، به‌روزرسانی محاسبات

چنانچه این مقادیر درآمدی را با درآمدهای مالیاتی مقایسه کنیم، می‌توانیم برآورد بسیار خوبی از آن ظرفیت بالقوه وجوهات شرعی داشته باشیم.

جدول شماره ۲. مقایسه درآمد حاصل از خمس و درآمد مالیاتی دولت برای سال‌های ۸۰ تا ۸۹
ارقام به میلیارد ریال

سال	۱۳۸۲	۱۳۸۳	۱۳۸۴	۱۳۸۵	۱۳۸۶	۱۳۸۷	۱۳۸۸	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱
مجموع منابع مالی اسلامی	۱۰۲۲۲۴	۱۴۷۳۴۷	۱۹۶۹۳۴	۲۴۲۴۱۴	۳۲۴۵۸۳	۳۵۸۱۸۱	۳۴۳۸۹۹	۴۵۴۴۲۷	۶۲۳۲۰۰	۵۳۰۶۷۷
درآمد مالیاتی دولت	۶۵۰۹۹	۸۴۴۲۱	۱۳۴۵۷۴	۱۵۱۶۲۰	۱۹۱۸۱۵	۲۳۹۷۴۱	۳۰۰۰۴۰	۲۱۰۰۰۰	۲۸۰۰۰۰	۳۹۷۸۴۰
ظرفیت بالقوه مالیات	۱۶۸۱۴۰	۲۱۹۸۰۲	۲۹۱۶۰۴	۳۷۲۹۷۹	۴۶۷۸۴۱	۵۸۴۷۳۴	۷۳۱۸۰۴	۵۱۲۱۹۵	۶۸۲۹۲۶	۷۰۳۴۱۰

مأخذ: کاشیان، ۱۳۸۹ و آمار بانک مرکزی ایران (همراه با به‌روزرسانی محاسبات)

۵-۲. ابعاد حکومتی خمس و زکات

نظر بیشتر مراجع فعلی پرداخت زکات به وسیله مالک در صورت عدم درخواست حاکم است؛ یعنی مالک مال می‌تواند در صورت عدم درخواست حاکم جامعه اسلامی، خود مستقلاً به پرداخت زکات مبادرت ورزد. با این حال شهید صدر، آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله مکارم شیرازی و آیت‌الله موسوی اردبیلی نظرشان این است که باید زکات به حاکم جامعه اسلامی پرداخت شود (اسماعیل‌پور، ۱۳۸۷). با این حال بیشتر فقها اعتقاد دارند که بهتر است در زمان حضور امام علیه السلام به ایشان و در دوره غیبت، به فقها پرداخت شود تا از سوی آنان در موارد لازم هزینه گردد. حال اگر امام یا حاکم جامعه اسلامی از مردم بخواهد که زکات را به او بپردازند، بر همه واجب است که چنین کنند. در بین مراجع معاصر امام خمینی علیه السلام قائل به این نظریه است (موسوی خمینی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۹۵).

درباره خمس نیز بسیاری از فقها به‌ویژه فقهای متأخر اعتقاد دارند که خمس حق‌الاماره به شمار می‌آید. از نظرات امام خمینی علیه السلام نیز این‌گونه برداشت می‌شود که خمس حق‌الاماره است و باید به امام معصوم و یا نائب ایشان پرداخت شود (موسوی خمینی، ۱۴۲۳ق، ص ۳۲ و ۳۳). مبنای مادر این تحقیق نیز نظر امام خمینی علیه السلام بوده است. ضمن اینکه در تقسیم خمس، امام مخیر است که هر گونه می‌خواهد در آن تصرف کند و در کنار آن سهم سادات را بپردازد. امام خمینی علیه السلام می‌فرمایند: هر کس در معنای آیه و روایات دقت و اندیشه کند، درمی‌یابد که همه سهم‌های خمس،

از بیت المال است و حاکم، حق تصرف در آن را دارد و از نظر حاکم، که مصلحت مسلمانان را در نظر دارد، گریزی نیست. حاکم، باید از سهم سادات، زندگی سه گروه یاد شده را بر حسب تشخیص خود برآورد (موسوی خمینی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۴۹۵).
عمده منابع مالی اسلامی را خمس و زکات تشکیل می‌دهند و مالیات‌های متعارف، به صورت ثانوی و در حکم اضطرار و یا بر اساس حکم حکومتی قابل وضع هستند. به همین دلیل در طراحی الگوی یک‌پارچه‌سازی منابع مالی اسلامی و مالیات‌های متعارف، آنچه باید مد نظر قرار گیرد اصل بودن خمس و زکات است و اینکه اگر قرار است مالیات به عنوان ضرورت یا حکم حاکمیتی بر مردم وضع شود، باید خود را با نظام خمس و زکات تطبیق دهد.

۶-۲. تقدم خمس و زکات یا مالیات‌های متعارف

برخی محققان اقتصاد اسلامی با تمسک به فتوای فقهای شیعه مبنی بر اینکه اول مالیات را پرداخت کنید و بعداً خمس را حساب نمایید، این‌گونه استدلال کرده‌اند که مالیات بر زکات و خمس مقدم است و نتیجه گرفته‌اند که خمس نمی‌تواند هزینه قابل قبولی برای معافیت مالیاتی به شمار آید و در برخی مواقع به برخی فتاوی مراجع نیز تمسک کرده‌اند. به عبارتی طبق نظر فقهای شیعه اگر روزی به صورت اتفاقی هم روز خمسی شما محسوب می‌شود و هم باید در آن روز مالیات بپردازید، ابتدا باید مالیات را بپردازید و سپس خمس را محاسبه کنید؛ چراکه مالیات نیز جزء هزینه قابل قبول برای پرداخت خمس به شمار می‌آید. بر همین اساس عده‌ای این‌گونه استدلال کرده‌اند که این موضوع دلالت دارد که مالیات مقدم بر خمس است و نتیجه گرفته‌اند که مالیات اهمیت بیشتری از خمس دارد؛ اما اشکال این استدلال کاملاً واضح است و آن این است که تقدم زمانی پرداخت مالیات بر زکات و خمس، هیچ دلالتی بر این ندارد که زکات با مالیات تطبیق داده شود. در واقع در اینجا نوعی قیاس مع الفارق صورت گرفته و نمی‌توان استدلال کرد که خمس جزء هزینه قابل قبول برای مالیات نیست؛ بلکه بر طبق نظریه مشهور، تنها مالیات موظف شرعی مسلمانان به عنوان مالیات اولی، زکات و خمس است. زکات و خمس در کنار دیگر منابع مالی عهده‌دار تأمین هزینه‌های عمومی دولت و غیر آن هستند. ده دلیل اثبات شرعی بودن مالیات (ر.ک: رضایی، ۱۳۸۲) دلالت بر این دارند که در صورت وجود دولت اسلامی و نیاز به منابع مالی و کمبود زکات و خمس، وضع مالیات به صورت اضطراری و حکم ثانوی پذیرفته می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۲۵۹).

لذا اصل بر زکات و خمس است و مالیات می‌تواند به صورت ثانوی و در صورت کمبود درآمدهای حاصل از خمس و زکات وضع شود. اگر قرار است برای کمبود درآمدها مالیات نیز

وضع شود، لازم است که نظام مالیاتی به حکم ثانوی بودن خود را بر نظام وجوهات شرعی منطبق سازد. از این جهت است که اگر حکومت اسلامی به دنبال وضع مالیات باشد، باید به پرداخت‌های خمس و زکات مردم توجه داشته باشد و آنها را مشمول بخشودگی‌ها و معافیت‌های مالیاتی گرداند. با این حساب مالیات نیز جزئی از وجوهات شرعی خواهد بود. مجموعه مطالبی که تاکنون در این بخش مطرح شد، پیش‌فرض‌هایی است که در طراحی الگوی یک‌پارچه‌سازی مد نظر قرار گرفته است.

۳. سناریوهای مختلف در طراحی الگوی یک‌پارچه‌سازی نظام منابع مالی اسلامی و مالیات‌های متعارف

همان‌طور که در مقدمه نیز بیان شد، در این بخش به معرفی سناریوهای مختلف در حوزه یک‌پارچه‌سازی منابع مالی اسلامی و مالیات‌های متعارف می‌پردازیم و ضمن ارائه سازوکار و الگوی آن، به بررسی مزایا و معایب آن خواهیم پرداخت. مطالبی که در بخش قبلی مطرح شدند، به عنوان پیش‌فرض‌های اصلی این مقاله مد نظر قرار گرفته‌اند.

۳-۱. سناریوی اول: خمس به عنوان هزینه قابل قبول (و یا معافیت مالیاتی) ۳-۱-۱. سازوکار سناریوی اول

برخی محققان اقتصاد اسلامی در راستای همگرایی نظام‌های مالیاتی متعارف و اسلامی، راهکاری را مطرح کرده‌اند که آن را مطرح، نقد و بررسی می‌کنیم. این راهکار که به عنوان سناریوی اول مطرح شده، به دنبال آن است که با طرح مسئله خمس به عنوان هزینه قابل قبول در مالیات و یا عاملی برای معافیت مالیاتی، راهکاری در جهت یک‌پارچه‌سازی این دو مالیات ایجاد کند (رضایی و سبزو، ۱۳۹۱؛ موحدی و رضایی، ۱۳۹۱). طبق این سناریو لازم است در راستای وارد کردن خمس به عنوان پرداختی این نظام واحد مالیاتی، ماده‌ای به این مضمون در قانون مالیات‌های مستقیم الحاق گردد:

مؤدی مشمول مالیات بر درآمد در زمان تحویل اظهارنامه مالیاتی خود به سازمان امور مالیاتی، مدارک مستند و مورد تأیید سازمان امور مالیاتی از پرداخت خمس در سال مالیاتی خود را ارائه می‌دهد. مالیات این فرد با احتساب خمس پرداخته شده در این سال مالیاتی محاسبه خواهد شد.

در واقع هر فرد به میزانی که خمس یا زکات پرداخت کرده، در صورت ارائه مدرکی مستند و قابل قبول برای نظام مالیاتی، مشمول معافیت مالیاتی می‌شود (رضایی و موحدی، ۱۳۹۱).

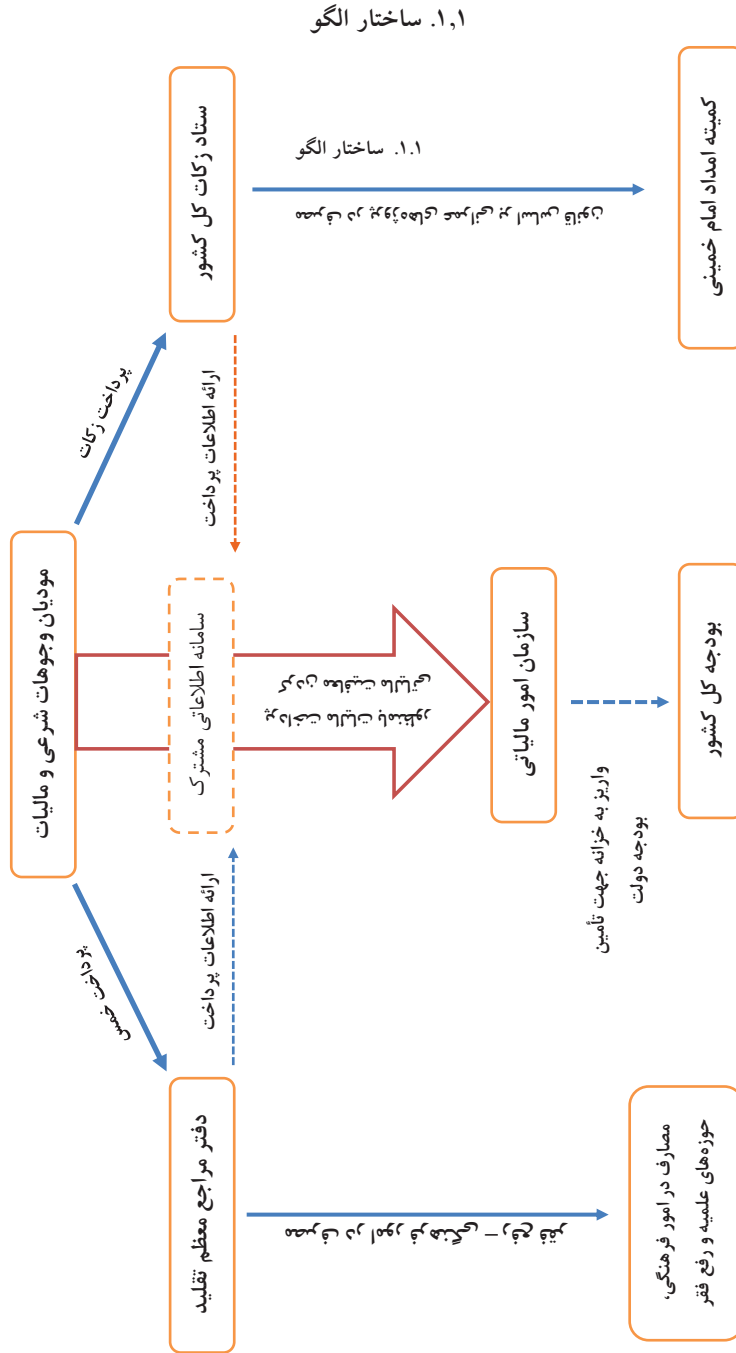
۲-۱-۳. مؤلفه‌های اصلی

ساختار ارائه‌شده به عنوان سناریوی اول بر اساس شش مؤلفه اصلی یعنی از حیث نوع تخفیف در مالیات، مرجع جمع‌آوری‌کننده، ساختار جغرافیایی، نوع مالیات مشمول تخفیف، نوع مصارف و نهایتاً از حیث ساختار به شرح زیر طبقه‌بندی می‌شود.^۱ گفتنی است که هر یک از سناریوهایی که در این مقاله معرفی می‌شود، نسبت به مؤلفه‌های پیشین موضوعی مستقل دارد و از مجموع این مؤلفه‌ها، یک سناریو طراحی می‌شود. براین اساس سناریوی اول دارای مؤلفه‌های زیر است:

جدول شماره ۳. سناریوی ۱: مؤلفه‌ها و مشخصات

از حیث نوع تخفیف در مالیات	معافیت مالیاتی به میزان مبلغ پرداخت خمس و زکات
از حیث مرجع جمع‌آوری‌کننده	بر اساس ساختار پیشنهادشده، هم مراجع معظم تقلید و هم ولی فقیه به صورت جداگانه و در عرض هم خمس را دریافت می‌کنند. سازمان امور مالیاتی، مالیات و ستاد زکات، زکات را جمع‌آوری می‌کند
از حیث ساختار جغرافیایی	ساختار متمرکز با محوریت مراجع معظم تقلید در خمس، ساختار متمرکز در جمع‌آوری مالیات، ساختار منطقه‌ای در حوزه زکات (روند فعلی)
از حیث نوع مالیات مشمول تخفیف	پرداخت‌کنندگان خمس و زکات مشمول تخفیف در مالیات بر درآمد و نه مالیات بر ارث می‌شوند
از حیث نوع مصارف خمس و زکات و مالیات	روال سابق و سنتی به کار خود ادامه خواهد داد
از حیث ساختار مصرف	موضوعی ندارد

۱. این طبقه‌بندی شش‌گانه و شقوق مختلف آن از تحقیق کاشیان (۱۳۹۴) اقتباس شده است که به دلیل محدودیت‌های مقاله امکان تشریح آن وجود ندارد. برای اطلاعات بیشتر، ر.ک: کاشیان، ۱۳۹۴.



نمودار ۱: ساختاری سناریوی اول (موحدی، رضایی ۱۳۹۱)

۳-۱-۳. مزایا و معایب

از نظر پیشنهاددهندگان این ساختار، یکی از مسائلی که در طراحی الگوی یک پارچه‌سازی باید مد نظر قرار گیرد، استقلال حوزه‌های علمیه است. در ساختاری که پیشنهاد شده، وجوهات جمع‌آوری شده نه توسط دولت و نه از طریق آن، بلکه برای شناسایی خمس و از طریق حساب بانکی مستقیماً به دست مرجع تقلید می‌رسد؛ بنابراین در اینجا مشکلی برای استقلال حوزه‌ها پیش نمی‌آید.

از سوی دیگر کسانی ممکن است الحاق این قانون را موجب کاهش مالیات ستانده‌شده توسط دولت بدانند؛ اما دولت می‌تواند با افزایش پایه مالیات‌های حکومتی و نرخ مالیاتی، کاهش مالیات خود را جبران کند. مهم این است که مؤدیان مسلمان مقید به پرداخت وجوهات فشار مضاعف مالی را متحمل نشوند؛ وگرنه اگر این نرخ برای همه باشد و در ضمن خمس به مثابه مالیات ستانده شود، این مسئله مشکلی ایجاد نمی‌کند. به عبارت دیگر اگر همه افراد خمس و زکات خود را پرداخت می‌کردند، شاید نیازی به اخذ مالیات حکومتی نمی‌بود؛ اما اکنون چرا باید فشار مالی اضافی ناشی از وضع مالیات‌های حکومتی تحت عنوان احکام ثانوی را (که به جهت کمبود وجوهات شرعی حاصل از عدم پرداخت خمس و زکات عده‌ای پیش می‌آید) افراد متدین و مقید به پرداخت وجوهات جامعه اسلامی متحمل شوند (موحدی و رضایی، ۱۳۹۱).

با این حال به صورت بسیار خلاصه می‌توان مزایای این ساختار را بدین شرح بیان کرد:
 ۱. استقلال مراجع معظم تقلید و حوزه‌های علمیه پا برجا خواهد ماند؛ ۲. امکان حل مشکل پرداخت‌های موازی تا حد بسیاری مرتفع می‌گردد.

اما سناریوی یک معایب فراوانی نیز دارد که بدین قرارند:

۱. برای اجرای این سناریو، به تشکیل سامانه اطلاعاتی بزرگی نیاز است که بیوت مراجع معظم تقلید نیز امکان دسترسی به آن را داشته باشند؛

۲. با توجه به گرایش مردم به پرداخت خمس به مراجع، با اجرای سناریوی اول، اولاً به حجم درآمدی حوزه‌های علمیه به صورت قابل ملاحظه‌ای افزوده می‌شود و ثانیاً درآمدهای مالیاتی دولت کاهش می‌یابد. از آنجاکه محاسبات ظرفیت بالقوه خمس و زکات نشان می‌دهد که درآمد قابل توجهی است، حتماً از منابع مورد نیاز حوزه‌های علمیه فراتر خواهد رفت. آیا حوزه‌های علمیه توانایی جذب این مقدار از وجوهات را دارند؟

۳. دولت در سال‌های اخیر تلاش بسیاری برای این کار کرده است. به نظر می‌رسد سناریوی اول دولت را در رسیدن به این هدف عقب می‌اندازد؛ چراکه با این پیشنهاد بخش درخور

توجهی از درآمدها مالیاتی کسر می‌شود و بر درآمدهای خمس می‌افزاید و لذا لازم است که راهکاری دیگر در نظر گرفته شود. هرچند پیشنهاد دهندگان از افزایش پایه‌های مالیاتی سخن به میان آورده‌اند، اما سخن از این جهت است که اگر چنین امکانی باشد، به واسطه فاصله فراوانی که دولت تا عدم وابستگی به درآمدهای نفتی دارد، باز هم این ساختار موجب کاهش درآمدهای مالیاتی می‌شود و امکان تحقق این هدف را از بین می‌برد؛

۴. آنچه طلاب و سادات مستحق از مراجع دریافت می‌کنند، به صورت ضابطه‌مند است و ثبت می‌شود؛ اما آنچه به صورت موردی به افراد پرداخت می‌شود و یا به نهادهای دینی کمک می‌شود، دارای چنین ضابطه‌ای نیست و همیشه این امکان هست که کمک‌های تکراری و امثال آن صورت گیرد. به همین دلیل تا مصرف خمس ضابطه‌مند نشود، این رویکرد با مشکلات فراوانی همراه خواهد بود؛

۵. در مصرف خمس بین مراجع مختلف نظرات مختلفی وجود دارد و در نتیجه مصارف متفاوتی می‌تواند بوقوع پیوندد. حال چه تضمینی وجود دارد که بسیاری از مصارف خمس در جهتی غیر از اولویت‌های کشور به کار نرود؟

۶. تعیین مرجع تقلید به عهده مکلفان است. حال ممکن است مراجعی که سازمان مالیاتی آنها را به رسمیت می‌شناسد با آنچه مکلفان انتخاب می‌کنند متفاوت باشد. در این صورت چه باید کرد؟ اگر مراجع به دو دسته تقسیم شوند نیز وجهه مناسبی ندارد؛ چراکه برخی لقب مراجع حکومتی و برخی مراجع غیر حکومتی خواهند داشت که این از شأن مراجع به دور است.

۴-۱-۳. ملاحظات این ساختار

مهم‌ترین حلقه مفقوده‌ای در سناریوی اول، مصارف وجوهات شرعی است. در واقع سناریوی اول سازوکاری را برای جمع‌آوری مطرح ساخته، اما در حوزه مصرف سکوت کرده و موضع خاصی نگرفته است. از همین جهت مهم‌ترین اشکال آن این است که موجب کاهش وجوهات دریافتی دولت می‌شود و نیز این پرسش را پدید می‌آورد که با توجه به این حجم عظیم از درآمدها و نیز اشکالاتی که در بخش قبلی مطرح کردیم، آیا می‌توان در حوزه مصرف این درآمدها سکوت کرد؟ این مسئله‌ای است که سناریوهای آتی به دنبال پاسخ روشنی برایش هستند.

۳-۲. سناریوی دوم: نظام واحد مالیاتی تحت نظری فقیه

۳-۲-۱. سازوکار سناریوی دوم

برخی دیگر از محققان اعتقاد دارند با مشکلاتی که در سناریوی اول وجود دارد، لازم است که راهکار جدیدی در این زمینه مطرح گردد (شعبانی، ۱۳۹۲). سناریوی دوم که در واقع راهکار این محققان است، تلاش داشته تا مشکلات سناریوی قبلی را تا حد بسیاری برطرف سازد. ضمن اینکه این سناریو بر اساس شبیه‌سازی فضای موجود با زمان رسول خدا ﷺ و حضرت علی ﷺ ارائه شده است. در نگاه پیشنهاددهندگان این سناریو، تنها در این دوران است که حکومت اسلامی در دست امام معصوم بوده و به معنای حقیقی کلمه حکومت اسلامی وجود داشته است. پس از این تاریخ تنها می‌توان در زمان فعلی ادعای حکومتی اسلامی مبتنی بر ولایت فقیه داشت.

از طرفی به عقیده بسیاری از فقها، با پذیرش ولایت فقیه در عصر غیبت، تردیدی نیست که فقیه حاکم، همان اختیاراتی را دارد که پیامبر ﷺ در ایام حکومت داشت؛ یعنی همان‌گونه که در عصر حاکمیت پیامبر ﷺ و علی ﷺ، اختیار زکات و خمس، هم در جمع‌آوری و هم در هزینه کردن به عهده آن دو بزرگوار به عنوان حاکم و امام مسلمانان بوده است، فقیه حاکم نیز بنا به حکم اولی وظیفه دارد خمس و زکات را از مردم درخواست کند و آنها را در راه مصالح مسلمانان، برابر تشخیص خود، مصرف و هزینه کند. از این رو امام خمینی ﷺ در کتاب ولایت فقیه مبتنی بر این دیدگاه می‌نویسد:

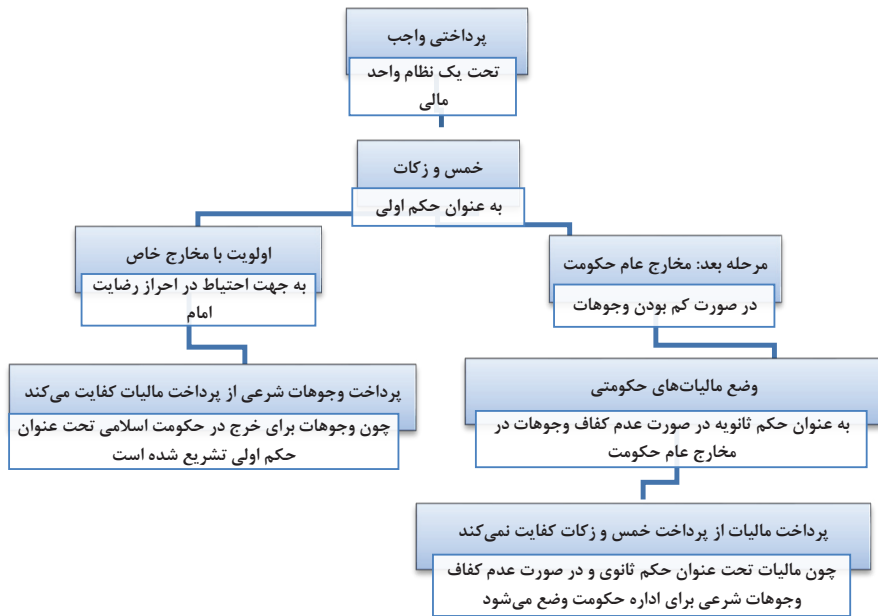
مالیات‌هایی که اسلام مقرر داشته و طرح بودجه‌ای که ریخته نشان می‌دهد تنها برای سد رمق فقرا و سادات فقیر و [روحانی] نیست؛ بلکه برای تشکیل حکومت و تأمین مخارج ضروری یک دولت بزرگ است. مثلاً «خمس» یکی از درآمدهای هنگفتی است که به بیت‌المال می‌ریزد، و یکی از اقلام بودجه را تشکیل می‌دهد. ... اگر حکومت اسلامی تحقق پیدا کند، باید با همین مالیات‌هایی که داریم، یعنی خمس و زکات و... اداره شود. تعیین بودجه‌ای به این هنگفتی دلالت دارد بر اینکه منظور تشکیل حکومت و اداره کشور است. برای عمده حوایج مردم و انجام خدمات عمومی، اعم از بهداشتی و فرهنگی و دفاعی و عمرانی، قرار داده شده است. این به عهده متصدیان حکومت اسلامی است که چنین مالیات‌هایی را به اندازه و به تناسب و طبق مصلحت تعیین کرده، سپس جمع‌آوری کنند، و به مصرف مصالح مسلمین برسانند (موسوی خمینی، ۱۴۲۳، ص ۳۲ و ۳۳).

ایشان همچنین در سخنرانی خود درباره نظام مالیاتی اسلام و تحقق آن در جمهوری اسلامی ایران، در تاریخ ۳۰ خرداد ۱۳۵۸ در جمع وزیر و اعضای وزارت اقتصاد و دارایی چنین می‌فرمایند:

و اگر یک روزی هم ان شاء الله توانستیم و توانستید که همان مالیات اسلامی را بگیریم،... و هیچ احتیاجی به چیز دیگری زائد [مثل مالیات] نداشته باشیم، همین خمس ... بسیار عادلانه است؛ برای اینکه این بقال سر محله به اندازه خودش مالیات می‌دهد، آن آدمی هم که صاحب کارخانه‌های کذاست، آن هم به اندازه خودش مالیات می‌دهد. ... امید است که بشود (موسوی خمینی، بی تا، ج ۸، ص ۲۳۴ و ۲۳۵).

براین اساس ساختار نظام مالیاتی ایران به طور کلی از الگوی زیر پیروی می‌کند:

نمودار شماره ۲. الگوی نسبت خمس و زکات و مالیات (موحدی و رضایی، ۱۳۹۱)



شعبانی (۱۳۹۲) الگویی را ارائه می‌دهد که بر اساس آن می‌توان ماده‌ای را به این مضمون در قانون مالیات‌های مستقیم الحاق کرد:

مؤدی مشمول مالیات بر درآمد در زمان تحویل اظهارنامه مالیاتی خود به سازمان امور مالیاتی، مدارک مستند و مورد تأیید سازمان امور مالیاتی از پرداخت خمس به ولی فقیه در سال مالیاتی خود را ارائه می‌دهد. مالیات این فرد با احتساب خمس پرداخته شده در این سال مالیاتی محاسبه خواهد شد. در واقع نگاه در این سیستم جدید، نگاه حق‌الاماره بودن خمس است. با توجه به این توضیحات، هر فرد مسلمان مقید به پرداخت وجوهات شرعی، وجوهات خود را از طریق خود که برای سازمان

امور مالیاتی مستند باشد - برای مثال از طریق حساب بانکی - به ولی فقیه منتقل می‌کند. اکنون ولی فقیه است که بر اساس نیازهای حوزه‌های علمیه و مراجع تقلید، وجوه مورد نیاز آنها را تأمین می‌کند و مازاد بر آن را در اختیار دولت قرار می‌دهد. مسلماً وجوهات شرعی‌ای که از طریق این حساب بانکی به طور مستقیم به دست مراجع عظام تقلید می‌رسند، مصرفشان به عهده مرجع تقلید است و در راهی مصرف می‌شوند که وی صلاح می‌داند.

ممکن است اشکال شود که در این صورت جایگاه مراجع تقلید تضعیف خواهد شد. در پاسخ باید گفت که چون بسیاری از مراجع تقلید به حق‌الاماره بودن خمس اعتقاد ندارند، صرفاً با اجازه ایشان است که مقلدان آنها می‌توانند خمس را به ولی فقیه بدهند. ضمن اینکه بسیاری از مقلدان آنها حتی پس از اجرای این سیستم باز هم می‌توانند به صورت مستقیم خمسشان را به مرجع تقلیدشان بدهند و از آنجاکه نیازهای حوزه‌های علمیه را ولی فقیه تأمین می‌کند، چه بسا که به لحاظ مالی موجب تقویت مراجع نیز بشود.

۲-۳. مؤلفه‌های اصلی:

چنانچه بخواهیم سناریوی دوم را بر اساس ساختار این مقاله بیان کنیم، ساختار را بر اساس شش مؤلفه اصلی یعنی از حیث نوع تخفیف در مالیات، مرجع جمع‌آوری‌کننده، ساختار جغرافیایی، نوع مالیات مشمول تخفیف، نوع مصارف و ساختار بررسی می‌کنیم. سناریوی دوم نسبت به مؤلفه‌های مذکور دارای موضع مستقلی است. براین اساس سناریوی دوم دارای مؤلفه‌های زیر است:

جدول شماره ۴. سناریوی ۲: مؤلفه‌ها و مشخصات

از حیث نوع تخفیف در مالیات	معافیت مالیاتی به میزان مبلغ پرداخت خمس و زکات
از حیث مرجع جمع‌آوری‌کننده	بر اساس ساختار پیشنهادشده، ولی فقیه خمس را دریافت، و سازمان امور مالیاتی، مالیات و ستاد زکات، زکات را جمع‌آوری می‌کند
از حیث ساختار جغرافیایی	ساختار متمرکز با محوریت ولی فقیه، ساختار متمرکز در جمع‌آوری مالیات، ساختار منطقه‌ای در حوزه زکات (روند فعلی)
از حیث نوع مالیات مشمول تخفیف	پرداخت‌کنندگان خمس و زکات مشمول تخفیف در مالیات بر درآمد و نه مالیات بر ارث می‌شوند
از حیث نوع مصارف خمس و زکات و مالیات	روال سابق و سنتی به کار خود ادامه خواهد داد؛ فقط یک سامانه اطلاعاتی مشترک برای جلوگیری از پرداخت‌های موازی ایجاد می‌شود
از حیث ساختار مصرف	وجوهات از طریق ولی فقیه به دست مراجع معظم تقلید می‌رسد و آنها در هر حوزه‌ای که صلاح بدانند مصرف می‌نمایند

۳-۲-۳. مزایا و معایب

برخی مزایای این سناریو بدین قرارند:

۱. دولت با کاهش درآمدهای مالیاتی مواجه نخواهد شد؛ چراکه ولی فقیه کاهش آن درآمدها را جبران می‌کند؛
 ۲. بسیاری از مردم که تا پیش از این به دلیل پرداخت مالیات از پرداخت خمس خودداری می‌کردند، به پرداخت خمس روی خواهند آورد؛ چراکه با کاهش فشار بر خود مواجه هستند. ضمن اینکه امکان دارد با فرهنگ‌سازی و ارائه فهرستی از خدمات مراجع معظم تقلید و تشویق بیشتر مردم به پرداخت خمس و زکات، مجموع درآمدهای حاصل از خمس و زکات افزایش یابد؛
 ۳. استقلال حوزه‌های علمیه نیز حفظ خواهد شد؛ چراکه هم ولی فقیه و هم مرجع انتخاب ولی فقیه و نظارت بر او (مجلس خبرگان) از درون حوزه‌های علمیه هستند؛
 ۴. بخشی از نیازهای حوزه‌های علمیه که تا پیش از این از طریق دولت تأمین می‌شد و موجب وابستگی حوزه‌های علمیه به بودجه دولتی شده بود، در سیستم جدید از طریق ولی فقیه تأمین خواهد شد؛
 ۵. بسیاری از مشکلات مالی حوزه‌های علمیه نیز مرتفع خواهد شد؛
 ۶. از آنجاکه بسیاری از مراجع تقلید خمس را حق‌الاماره نمی‌دانند، تنها در صورت اجازه ایشان است که خمس می‌تواند به ولی فقیه برسد و لذا جایگاه مراجع تقلید تقلیل نخواهد یافت؛
 ۷. مصارف خمس نیز تا حد بسیاری ضابطه‌مند خواهند شد.
- بخش مهمی از سیستم جدید شامل یک نظام اطلاعاتی یک پارچه، هم در حوزه مصرف و هم در حوزه جمع‌آوری وجوهات شرعی است و تنها با چنین سیستم‌هایی است که می‌توان کارایی نظام مالیاتی را بالا برد.
- اما برخی معایب این ساختار بدین شرح‌اند:
۱. در حوزه مصرف وجوهات صرفاً به تشکیل یک سامانه اطلاعاتی مشترک بین دفاتر مراجع معظم تقلید اشاره شده است؛ اما درباره اینکه آیا وجوهات در جهت اولویت‌ها به کار گرفته شود یا خیر، هیچ تضمینی وجود ندارد؛
 ۲. در حوزه مصارف هیچ‌گونه نهاد واحدی برای تصمیم‌گیری معرفی نشده است؛
 ۳. اینکه ولی فقیه بر چه اساس و با چه قاعده‌ای وجوهات را بین مراجع معظم تقلید تقسیم کند و به هر کدام چقدر بدهد، بسیار مبهم است؛
 ۴. بر خلاف ادعاهای صورت‌گرفته که این راهکار جایگاه مراجع تقلید را تضعیف نمی‌کند، ظاهراً اجرایی شدن این سناریو موجب تضعیف جایگاه مراجع تقلید می‌شود.

۴-۲-۳. ملاحظات این ساختار

سیستم پیشنهاد شده از جهاتی با وضعیت موجود تفاوت دارد که می‌توان این تفاوت‌ها را به صورت زیر بیان کرد:

۱. در وضعیت فعلی مواردی وجود دارد که لازم است وجوه شرعی در آن جهات مصرف شود؛ اما به دلیل نبود سیستم اطلاعاتی یک پارچه، از چنین مصارفی غفلت می‌شود. از طرفی برخی مصارف موازی وجود دارند که لازم است از آنها جلوگیری شود. بر همین اساس شکل‌گیری نظام اطلاعاتی یک پارچه سبب می‌شود که مصارف وجوه شرعی و مالیات به صورت کاملاً کارا در تمامی بخش‌هایی که لازم است، معین شوند؛
۲. در حال حاضر برخی افراد به دلیل فشارهای چندگانه، از پرداخت خمس اجتناب می‌ورزند یا از پرداخت مالیات فرار می‌کنند. بر همین اساس وجود یک نظام یک پارچه طبق الگویی که مطرح شد، سبب می‌شود که افراد به پرداخت خمس و زکات تشویق شوند. لذا بخشی از درآمدهای مالیاتی از سمت نظام مالیاتی به سمت وجوه شرعی منتقل خواهد شد. به همان نسبت لازم است که مصارفی از مالیات به مراجع تقلید واگذار شود. این امر کارایی استفاده از درآمدهای مالیاتی را بالا می‌برد.

۲-۳. سناریوی سوم: جمع‌آوری و مصرف منطقه‌ای در ماتریس سه بعدی ولی فقیه، منطقه و وظایف

۱-۳-۳. سازوکار سناریوی سوم

رویکرد اصلی این سناریو، استفاده از ساختارهای منطقه‌ای چه در حوزه جمع‌آوری خمس و چه در حوزه مصارف آن است و روند قبلی در مورد مالیات و زکات پیش گرفته می‌شود. بر اساس این سناریو، ولی فقیه در هر یک از مناطق (که ممکن است استان، شهرستان یا بخش باشد)، نماینده‌ای تعیین می‌کند که این نماینده، متولی جمع‌آوری وجوهات آن منطقه می‌شود (در ساده‌ترین حالت، این نماینده می‌تواند نماینده ولی فقیه در استان‌ها باشند که در حال حاضر این افراد مشخص‌اند و در حوزه‌های مختلفی مشغول به فعالیت هستند). این نمایندگان با در اختیار داشتن سامانه اطلاعاتی مشترک با نظام مالیاتی، اطلاعات پرداخت‌کنندگان وجوهات شرعی را بر اساس نام مرجع تقلیدشان ثبت کرده، اطلاعات پرداخت را به نظام مالیاتی منتقل می‌سازند. نظام مالیاتی مکلف می‌شود که بر اساس اطلاعات پرداختی شخص، او را مشمول معافیت مالیاتی به میزان پرداخت وجوهات شرعی کند. از سوی دیگر نمایندگان ولی فقیه در منطقه بر اساس اجازه‌ای که از مراجع معظم تقلید و ولی فقیه دارند، بخشی از وجوهات جمع‌آوری شده را جهت مصرف در امور فرهنگی و اقتصادی استان نزد خود

نگه می‌دارند و بخشی دیگر از وجوهات را متناسب با میزان جمع‌آوری شده به نام هر یک از مراجع معظم تقلید به دفتر ایشان منتقل می‌سازند. نمایندگان ولی فقیه در منطقه، وجوهات را متناسب با پرداختی مناطق زیر مجموعه در حوزه‌های فرهنگی و اقتصادی به ویژه رفع فقر منطقه مورد استفاده قرار می‌دهند و مراجع معظم تقلید و ولی فقیه نیز بر اساس صلاحدید خویش این وجوهات را در حوزه‌های کلان و حتی گاهی منطقه‌ای استفاده می‌کنند. با توجه به اینکه شکل‌گیری نهاد موازی در رفع فقر موجب آسیب‌های فراوانی است، آنچه در حوزه رفع فقر و وظایف اقتصادی مطرح شد، می‌تواند در جهت تأمین مالی کمیته امداد آن منطقه استفاده شود.

۲-۳-۳. مؤلفه‌های اصلی

چنانچه بخواهیم سناریوی سوم را بر اساس ساختار این مقاله بیان کنیم، ساختار را بر اساس شش مؤلفه اصلی یعنی از حیث نوع تخفیف در مالیات، مرجع جمع‌آوری کننده، ساختار جغرافیایی، نوع مالیات مشمول تخفیف، نوع مصارف و ساختار بررسی می‌کنیم. سناریوهای سوم نسبت به مؤلفه‌های مذکور، موضع مستقلی دارند.

جدول شماره ۵. سناریوی ۳: مؤلفه‌ها و مشخصات

از حیث نوع تخفیف در مالیات	معافیت مالیاتی به میزان مبلغ پرداخت خمس و زکات
از حیث مرجع جمع‌آوری کننده	نمایندگان ولی فقیه در منطقه زیر نظر مراجع معظم تقلید و ولی فقیه
	دولت، مالیات را و ستاد زکات، زکات را جمع‌آوری می‌کند
از حیث ساختار جغرافیایی	ساختار منطقه‌ای در حوزه جمع‌آوری خمس زیر نظر مراجع معظم تقلید و ولی فقیه
	ساختار متمرکز در جمع‌آوری مالیات
	ساختار منطقه‌ای در حوزه زکات (روند فعلی)
از حیث نوع مالیات مشمول تخفیف	پرداخت‌کنندگان خمس و زکات مشمول تخفیف در مالیات بر درآمد و مالیات بر ارث می‌شوند
از حیث نوع مصارف خمس و زکات و مالیات	مصرف خمس در منطقه: نمایندگان ولی فقیه در مناطق بخشی از وجوهات را در حوزه‌های فرهنگی مصرف کرده برای رفع فقر، کمیته امداد امام خمینی را تأمین مالی می‌کنند
	مصرف خمس در کل کشور: مراجع معظم تقلید و ولی فقیه بخش دیگر خمس را در حوزه‌های کلان فرهنگی و بر اساس صلاحدید استفاده می‌کنند
	مصرف زکات: در پروژه‌های عمرانی بر طبق قانون
	مصرف مالیات: واریز به خزانه در جهت تأمین مالی بودجه کشور
از حیث ساختار	ساختار ماتریسی سه‌بعدی ولی فقیه و مراجع معظم تقلید - فدارلیسم مالی - وظایف

۳-۳-۳. ابزارهای سیاستی

یکی از مهم‌ترین ارکان ساختار جدید، منعطف بودن آن و امکان سیاست‌گذاری در عرصه‌های مختلف است. سناریوی سوم سازوکارهایی دارد که به سیاست‌گذاران امکان می‌دهد برای تنظیم امور در شرایط مختلف برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری کنند. این ابزارها بدین شرح‌اند:

۱. همان‌طور که در سناریوی سوم مشهود است، بخشی از وجوهات توسط مراجع معظم تقلید و ولی فقیه و بخشی دیگر توسط نمایندگان ولی فقیه در مناطق مورد استفاده قرار می‌گیرد. اینکه چند درصد از این وجوهات در دست نمایندگان ولی فقیه باشد و چند درصد در اختیار مراجع معظم تقلید قرار گیرد، موضوعی است که می‌تواند معیاری برای سیاست‌گذاری باشد. ممکن است هر یک از مراجع تقلید درصد معینی را برای این امر تعیین کنند؛

۲. اینکه چند درصد از وجوهات در اختیار کمیته امداد قرار گیرد و چند درصد در امور فرهنگی، یکی دیگر از بازارهای سیاستی است که ممکن است از منطقه‌ای به منطقه دیگر متفاوت باشد؛

۳. محاسبه معافیت مالیاتی بر مبنای درصدی از مجموع مبالغ پرداختی خمس: همان‌طور که در بخش قبلی نیز بیان شد، سیاست‌گذاران این امکان را دارند که به جای ایجاد معافیت مالیاتی معادل مبلغ پرداختی خمس، بخش یا درصدی از آن را مد نظر قرار دهند. مثلاً سیاست‌گذاران اعلام کنند که تنها هفتاد درصد از کل مبلغ خمس را به عنوان معافیت مالیاتی می‌پذیرند. این ابزار سیاستی در شرایط مختلفی کاربرد دارد:

الف) ممکن است برخی افراد بخواهند برای فرار از مالیات، کل مبالغ مالیاتی خود را به صورت خمس و زکات پرداخت کنند و معادل آن معافیت مالیاتی بگیرند. تعیین درصدی از خمس یا زکات به عنوان معافیت، مانع از انجام چنین کاری می‌شود؛
ب) این ابزار می‌تواند به عنوان ابزاری برای سیاست انبساطی یا انقباضی دولت کارایی داشته باشد؛

ج) استفاده از هزینه قابل قبول به جای معافیت مالیاتی: ممکن است سیاست‌گذاران ترجیح دهند در ابتدای امر و برای برآورد شرایط جامعه، ترجیح دهند به جای ایجاد معافیت مالیاتی، مبالغ خمس و زکات را صرفاً به عنوان هزینه قابل قبول بپذیرند.

۴-۳-۳. مزایا و معایب

برخی مزایای این ساختار بدین قرارند:

۱. بسیاری از مزایای ساختار منطقه‌ای از قبیل افزایش رقابت بین مناطق، سازگاری بین عرضه و تقاضای کالاهای عمومی، امکان کاهش فساد، رشد اقتصادی بالاتر و کاهش اندازه اقتصاد سایه، کارایی فرایندی و پیامدی بالاتر، کاهش مسئله سواری مجانی، مقایسه آسان بین مناطق و وجود گزینه خروج، بهبود رفتار مالیاتی مؤدیان، تمرکززدایی در ساختار سیستم اجرایی کشور و مردمی کردن اقتصاد و ثبات پایدار در این حوزه میسر می‌شود؛
۲. حوزه فرهنگ (به ویژه حوزه‌هایی از فرهنگ دینی که دولت در حمایت از آنها ناکارآمد نشان داده است) را مورد حمایت قرار می‌دهد؛
۳. موجب تقویت جایگاه مراجع معظم تقلید و حوزه‌های علمیه می‌شود؛
۴. حق‌الاماره بودن خمس را بهتر به تصویر می‌کشد؛
۵. امکان برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری دقیق در حوزه فرهنگ دینی را توسط متخصصان این امر، یعنی حوزه‌های علمیه و مراجع معظم تقلید فراهم می‌آورد؛
۶. بخشی از وجوهات خمس و زکات که عمدتاً برای رفع فقر وضع شده‌اند، در همین مسیر مورد استفاده قرار خواهند گرفت؛
۷. (دست‌کم در بلندمدت) این امکان هست که کمیته امداد امام خمینی علیه السلام که پیش از این برای مصارف خود دچار کسری بودجه می‌شد، بتواند از این طریق نیازهای خود را به صورت کامل برطرف سازد.

۵-۴-۳. ملاحظات ساختار

درباره این ساختار و شیوه اجرایی کردن آن، ملاحظات بدین شرح وجود دارد:

۱. اینکه ولی فقیه و مراجع تقلید و نمایندگان ولی فقیه با چه سازوکاری در حوزه فرهنگ دخالت کنند (پشتیبان، سیاست‌گذار و یا ورود مستقیم) موضوعی است که عمدتاً در حوزه ارتباطات و مدیریت فرهنگی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و ممکن است برای هر یک از ایشان که در سناریوی سوم مورد تأکید قرار گرفته‌اند، نوع دخالت و نقش متفاوتی در نظر گرفته شود. مقاله حاضر صرفاً به بیان کلیاتی در این حوزه بسنده کرده، پاسخ به این پرسش را به متخصصان امر واگذار می‌نماید؛ اما بر این نکته تأکید می‌ورزد که هر نقشی در نظر گرفته شود، وجوهات شرعی بر اساس ساختار فوق توانایی رفع نیازهای مالی را دارند؛

۲. اجرایی کردن چنین ساختارهایی نیاز به زمان و حرکت تدریجی دارد و طبیعی است که امکان ندارد ظرفیت‌های مصرفی در حوزه فرهنگ را یک‌باره در حوزه‌های علمیه ایجاد کرد. لذا در نظر گرفتن چنین ساختاری در بلندمدت و برنامه‌ریزی برای دسترسی به آن در آینده، لازمه اصلی تحرک در این زمینه است؛

۳. پیشنهاد می‌شود که چنین ساختاری، در دو یا سه منطقه به صورت آزمایشی اجرایی شود و آسیب‌ها و مشکلات احتمالی‌اش شناسایی گردد؛

۴. از آنجاکه حوزه فرهنگ و کمک به فقرزدایی دغدغه بسیاری از مردم است، شفاف‌سازی خدمات ارائه‌شده توسط مراجع معظم تقلید و حوزه‌های علمیه در این حوزه سبب می‌شود که اولاً اشتیاق و علاقه بسیاری نسبت به پرداخت وجوهات شرعی پدید آید و ثانیاً فضا سازی معاندان و افراد ناآگاه علیه حوزه‌های علمیه از بین برود. نهایتاً از آنجاکه شفاف‌سازی به از بین رفتن فساد در سیستم می‌انجامد، اعتماد بسیاری ایجاد می‌کند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

پرداختن به طراحی الگوی یک‌پارچه‌سازی نظام منابع مالی اسلامی و مالیات‌های متعارف، مستلزم نگاهی عمیق به ابعاد مختلفی از مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است؛ چراکه این مسئله در حوزه‌های مختلفی از علوم ریشه دارد و هر یک از آنها الزامات خاصی را به این مسئله تحمیل می‌کند؛ الزاماتی که توجه نکردن به آنها، طراحی الگو را بی‌معنا می‌سازد و هیچ نفع خاصی ندارد. در مقاله حاضر تلاش شد تا ضمن بررسی برخی از مهم‌ترین ابعاد فقهی و اقتصادی و نیز پرداختن به مقوله‌های فرهنگی و اجتماعی و پیش‌فرض گرفتن برخی مؤلفه‌ها، الگوی یک‌پارچه‌سازی نظام منابع مالی اسلامی و مالیات‌های متعارف طراحی گردد. در بحث فقهی، مقوله‌هایی از جمله کارویژه زکات و خمس بررسی شد و نشان داده شد که رفع فقر مهم‌ترین کارویژه زکات و خمس است و در عین حال حاکم جامعه اسلامی می‌تواند بر اساس صلاحدید خود در امور دیگری نیز از آنها بهره برد. از طرفی نشان داده شد که لازم است حکومت برای جمع‌آوری خمس و زکات برنامه و قانون داشته باشد و از طرفی ضمن بررسی جایگاه خمس و زکات و مالیات، تقدم وجوهات شرعی بر مالیات نتیجه گرفته شد و بیان گشت که نظام مالیاتی باید خود را با نظام خمس و زکات تطبیق دهد. از بعد اقتصادی نیز با تبیین نظریه تشکیک در کارایی زکات، نشان داده شد که درآمدهای بالقوه حاصل از خمس و زکات به قدری هست که با درآمدهای مالیاتی قابل مقایسه باشد و تأثیر درخور توجهی در کشور داشته باشد. اینها پیش‌فرض‌های اصلی مقاله را شکل دادند.

در ادامه به شش مؤلفه اصلی در طراحی الگو اشاره شد که از کنار هم قرار گرفتن این مؤلفه‌ها، ساختارهایی بسیار فراوان قابل تصور است. چهار مؤلفه، مربوط به حوزه جمع‌آوری منابع مالی اسلامی و مالیات‌های متعارف است که شامل نوع معافیت مالیاتی، مرجع جمع‌آوری‌کننده، ساختار جغرافیایی و نوع مالیات مشمول تخفیف می‌شود و دو مؤلفه نیز مربوط به حوزه مصرف است که شامل نوع مصارف خمس و زکات و مالیات و ساختار مصارف آنهاست. در این مقاله به طور کلی سه ساختار انتخاب، بررسی و نقد شده است. سناریوهای اصلی این ساختارها بدین قرارند:

سناریوی اول: خمس به عنوان هزینه قابل قبول (معافیت مالیاتی)؛

سناریوی دوم: نظام واحد مالیاتی تحت نظر ولی فقیه؛

سناریوی سوم: جمع‌آوری و مصرف منطقه‌ای در ماتریس سه بعدی ولی فقیه، منطقه و وظایف. سازوکار این سناریوها، ابزارهای سیاست‌گذاری و مزایا و معایب این سناریوها به تفکیک در این مقاله مطرح شده‌اند که به نظر می‌رسد کاراترین این سناریوها برای اجرا در ایران، سناریوی سوم است. در واقع در سناریوی سوم تمامی کسانی که خمس و زکات را پرداخت می‌کنند، اطلاعات پرداختشان به نظام مالیاتی منتقل می‌شود و نظام مالیاتی به نسبت خمس و زکاتی که پرداخت کرده‌اند، آنها را مشمول معافیت مالیاتی قرار می‌دهد. تا اینجا بین سناریوهای مختلف تفاوتی وجود ندارد؛ اما سناریوی سوم که پس از نقد سناریوی اول و دوم بدان اشاره شد، تفاوت مهمی از بعد مصارف دارد و آن اینکه بخشی از وجوهات جمع‌آوری‌شده توسط نمایندگان مراجع تقلید در استان‌ها خرج می‌شود و بخشی دیگر جهت امور فرهنگی و رفع فقر در جامعه در اختیار شخص مراجع تقلید قرار می‌گیرد. در این سناریو خمس و زکات از طریق کمیته امداد جهت رفع فقر مورد استفاده قرار می‌گیرد و نقش مراجع معظم تقلید و نمایندگان استانی ایشان در مخارج فرهنگی است. مهم‌ترین مزیت این رویکرد، مصرف خمس و زکات در حوزه فقرزدایی به صورت یک‌پارچه و متمرکز توسط کمیته امداد است که از مخارج موازی و ناهماهنگ جلوگیری می‌کند. مهم‌ترین آسیب این رویکرد نیز تکرر در مخارج فرهنگی و عدم تمرکز است که می‌تواند به مخارج ناهماهنگ و موازی بینجامد. از منظر سیاسی می‌توان از این راهبرد برای اقتصاد ایران استفاده کرد که در راهبردهای اجرایی نیاز به بررسی‌های دقیق‌تر هست.

منابع

- قرآن کریم.
- ابن هشام، ابومحمد عبدالملک بن هشام بن ایوب حمیری (۱۴۱۵)، سیره ابن هشام (السیره النبویه)، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان.
- اسماعیل پور دره، مهدی (۱۳۸۷). الگوی مناسب مؤسسات مالی زکات در جمهوری اسلامی ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه امام صادق علیه السلام.
- ثامن کیوانی، فرشاد (۱۳۷۷). محاسبه ظرفیت بالقوه زکات در اقتصاد ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۹). مالیات های حکومتی از دیدگاه فقه، نظام مالی اسلام (مجموعه مقالات). به اهتمام احمدعلی یوسفی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۰۴ق). تحریر الوسیله. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- رضائی، محمدجواد، و موحدی بکنظر، مهدی (۱۳۹۱). ارتباط وجوهات شرعی و مالیات های حکومتی در الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی: دلالت هایی برای حل پرداخت های دوسویه، پژوهشنامه مالیات. ۶۳: ۱۵۳-۱۷۳.
- رضائی، محمدجواد، و موحدی بکنظر، مهدی (۱۳۸۹). تمرکززدایی مالی و اقتصاد اسلامی؛ برخی ملاحظات نظری در باب مالیات سستانی و تخصیص بودجه، همایش مالیات های اسلامی و متعارف. قم: دانشگاه مفید.
- رضایی، مجید (۱۳۸۲). مالیات های حکومتی؛ مشروعیت یا عدم مشروعیت؟ فصلنامه نامه مفید. ۳۵: ۶۳-۸۴.
- رضایی، محمدقاسم، و سبزو، محبوبه (۱۳۹۱). ارائه الگویی برای پذیرش خمس به عنوان بخشی از مالیات بر درآمد، پژوهشنامه مالیات. ۶۳: ۱۲۵-۱۵۲.
- زمانی فر، حسین (۱۳۸۲). ارزیابی توان فقرزدایی زکات در برخی از استان های منتخب. پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تهران.
- شعبانی، احمد و کاشیان، عبدالمحمد (۱۳۸۹). اثر بازتوزیع زکات بر رفع فقر و کاهش ضریب جینی ایران، همایش همگرایی مالیات های اسلامی و متعارف. قم: دانشگاه مفید.
- شعبانی، احمد (۱۳۹۳). بررسی اثرات خمس و زکات بر رفع فقر و طراحی سازوکار پیاده سازی خمس و زکات در نظام مالیاتی و نحوه بازتوزیع آن با تأکید بر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.

- صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین ابن بابویه القمی (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه. تحقیق محمدجواد الفقیه. بیروت: دار الاضواء. چاپ دوم.
- عسکری، سیدمرتضی (۱۳۸۴). معالم المدرستین. قم: مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام.
- عسکری، محمد مهدی (۱۳۸۰). مقایسه تحلیلی آثار اقتصادی زکات و مالیه تورمی. پایان نامه دکتری. تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- کاشیان، عبدالمحمد (۱۳۸۹). آزمون بسندگی زکات و خمس در تأمین حداقل معیشت خانوارهای نیازمند در اقتصاد ایران. پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- کاشیان، عبدالمحمد (۱۳۹۴). طراحی الگوی یک پارچه‌سازی نظام منابع مالی اسلامی و مالیات‌های متعارف در ایران. رساله دکتری. تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- لاجوردی، عدنان (۱۳۷۱). نقش زکات در نظام اقتصادی اسلامی. پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء. چاپ دوم.
- مولائی، محمدعلی (۱۳۷۱). ملاحظات پیرامون ابزارها و سیاست‌های توازن ثروت در سیستم اقتصادی اسلام. پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۹۰). رساله توضیح المسائل. قم: بنیاد فقه و معارف اهل بیت علیهم‌السلام.